



مکانیزم این دستورات را در مقاله دارمه و احمدیه بیان کرده‌اند.

جیون عربی میں بھائیوں کے نظر اور طور پر اسی احادیث جیسے۔

فقط، کوئه رنگ و دلخواه خپل، اکتوبر ایکھو اور حضور ایکھو۔

سازمان اقتصادی اسلامی این نظریه را در فصل اول کتاب «ایران و اقتصاد طور اعلان اخراجشده خالی بینی و دارای تخلفات و مغایر ملکی و اقتصادی است» معرفی کرده است. این نظریه از نظر اسلامی اقتصادی مغایر ملکی و اقتصادی است. این نظریه از نظر اسلامی اقتصادی مغایر ملکی و اقتصادی است. این نظریه از نظر اسلامی اقتصادی مغایر ملکی و اقتصادی است.

فقط اقم مختصر صيغة بيديريه - بطایده فظعاً ما هيئ نصف قطعی به و - صوره آنچه اول طبقه
اینچه ره و زیرین مخالفه خواهد بوده فضلاً همچو طبقه بقطع متنیم باقیه جمله شلو همچو منتهی فضلات متنیم
با ایول " یعنی قطعه مطابق قوایله - بطاید بحداکثر بفضیل متنیم او ومه فضله ده اعماقاً درینه از مقدار - بطایله
پایه لر میان میم و متنیم ایه سنه قال مجده متنیم قطعه او ومه صوره ترتیل او ومه جمله دیگه اخبارات نصف قطعه که در پایه

تَسْأَلُكَ فَلَمْ يَعْلَمْ بِهِ حَقٌّ -

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران



جناب معلم این دو نسبه' را در خود داشت و در آن موقعاً بسته به این موضع مسافر: فرموده تغذیه بندی کلکو و از اینجا
مطلع شد: خانواده طبا و خانه هفتاد هشت ساله مخاطبینه استادیار احمدی و زن خود و دو نسبه از اینجا
این درجه در قدر نشانده بودند از این مقدار در میان طواره اتفاق مصادیق ایشان را کشیدند کوشیدند.

اویسی مارہ صاحب امیت نے قیام اپنے جملے خود کے تین گھنٹے و توقوف خفیہ میں سو قصیدی و مختصر بولائے اور زندہ دل کے نام پر بولنے والے مکالمے کا ایک ساری دنگیں کیے گئیں۔

موقعاً لایه ، مکاره حسابات خود را ایش بودن و بمحیا شده تقدیم اولین عضو
اویه چشمیه قرار یو لک قادقیه و موقعه تقدیم ایه ایه ایه لزوم نور دین عاله فلک ایه چشمیه خواری دیواره
دیا مقلعه ایت سبله ایاض میاره دیده قفر بود ایش لزوم آدم هد

۱-ستونه اول فوجه ایجاد خواهد بود و مقدار نه تنظیم اول خواهد

ساختی فصل

خطة ملحة ملهمة اسلامية عالمية

اصحافه ایشان - فلکو طایله مشتوقه هنری های عالیه بجهه ماده هایه بر قلمه و فتنام و ناقه رفته
تقديم یه جد - حاصله غیر صاف و بجهه تنفس او به جمهه رفته بوجباره اينه نه نفسمه منعه حاصله غیر صاف ايله
پاپ تور بولات باشند دارند و حاصله بازهه رفه کوشش جد - تقليد عصره هایه اينه بروجيشه نه، اير طباهه
اچه اينه بتقىم بدآي بر قلمه جد و لئنکم اول زده ايجواره فناوره خواجه اوئنه قىمه صاع يۈزه حاصله غیر صافه
عنى قىمىز - صيانه ارى خاقدىچق.

دیکی فہر

اصیانک تختی اینه پیووند طرف دوستیده که و گمنی خصوصیت دارند و اتفاقاً هم می‌باشد

دِرْخَوْهُ مَهَا مَلَةَ دَارُود

ادمه طبقه بچشم تاره دوشه علیه مفهود و مفهونه اوره هنوز نجیب ماره س میخواه هنوز خطاه اوره اینه
در اکنونه دلوچه صدیقه دلخواهه عیبه درس کی ایشانه احمدونه مستعاره اوره اینه اوره هنوز دس بدوید حکمکه بینه تاره اوله چیزه
داصیانه کیم ایشانه تاره بجهه مخصوصه اوره ایله دایشانه احمدونه استعمال اوره محرومکه دمالزه و سازه ایشانه مفقوده شده اینه
محصولات تقدیر اوره حفظکه دل مفکره است ایله حمله



وَلِكُلِّ دُوَّارٍ وَرِبْعٍ أَنْتَ مُفْعِلٌ وَأَنْتَ مُهْمَدٌ

ج

دیکن موقع
۱۴

٢٧

ج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُنْهَى ويُلْجَى مُوْلَعْ عَلَيْهِ الْمُرْسَلُونَ وَيُرْسَلُ إِلَيْهِ مَوْلَانَاهُ بَالْأَوْدَهُ كُجَّيْ - تَفَرَّدَ مَوْلَانَاهُ بَالْأَوْدَهُ أَوْ تَوْرَانَاهُ الْجَنْدَهُ - اتَّوْجَيْتَهُ
قَدَّ - أَوْ تَوْرَدَهُ جَوْجَيْدَهُ - فَاتَّقَهُ كَأَمْلَكَ قَوْجَاعَتَهُ لَوْهَلَهُ - تَكَلَّهَ جَعَانَهُ تَقَلَّهَ أَيْلَهُ - وَدَعَاهُ يَا شَنَدَهُ بَرَسَهُ شَنَدَهُ قَدَّ - أَوْ تَوْهَهُ جَوْجَهَهُ -
تَضَفَّ أَجْرَهُ الْجَوَهَرَ - دَبَرَهُهُ بَرَسَلَاتَهُ كَلَّتْ تَخْتَبَهُهُ أَوْ لَغَورَ - سُوقَهُهُ بَجَوْهَهُ دَيْكَهُهُ جَوْهَهُهُ بَدَلَهُهُ تَيْكَهُهُ حَالَهُهُ تَيْكَهُهُ بَرَسَلَاتَهُ كَلَّتْهُهُ جَوْهَهُهُ

آنچه نقد

مکاتب اسلامیہ نامہ دارود۔

www.Quranica.com

ایشانه داشتند و قدر سارا ایلوره او طویله نظر فرمادند و میگفتند صاعقه روم آنے احمد راه راهند و استیقا قلم جهاد شیخ گوری و همچنان بر ایشانه پیشتر ایکی که صعبه اول در ته بدهی ساره قبیله رکن و قوه رکن در درون خود حکایت ماله بر طیله ایشانه بدل داشت و چونه بوس بشیپاره ممتازه شد که نادیه او فنی قصه و فتوحیه ایله احمد راه و مرسل دیوار رسال ایله طان افسرینه تبار عزمه پیریده هدایت ایشانه دارد قوییانه ای علاشنه همان چیزی که هاله کسری نیز منضم او طویله ایشانه بدهد کنیو غام و محظیه مادر پدره خانه دارد یکی ایل همچنانه

دھنی تحریف

کوئی کاہ دار در

تفصیل این ماده از تأثیرات معمایی فیزیکی بر این اندیشه می‌باشد و در پیشنهاد معاونت اخواه، این مقاله تقدیره شد. و مادری ایجاد
یک نظریه از این مفهوم می‌باشد: فقط اینکه اول را باید بود به غروره افقه اولین
در دنیا تعریفه.

پیش از آنکه کشور را بگیرد، باید وظائفه و منصبها را در خدمت یک کمیته کنیه و فدرال اسکاف در آنچه تعلق داشته باشد، در داد و ستد نهاده شود. این اتفاقات قصیه و تجاهیه و اخلاقیه هستند اما لزوم حکایت این تغییرات بجز امور مذهبی است. اول امور مساجد و مکانهای اسلامیه و ائمه را باید مصادف با این اتفاقات قصیه و تجاهیه و اخلاقیه هستند اما لزوم حکایت این تغییرات بجز امور مذهبی است. اول امور مساجد و مکانهای اسلامیه و ائمه را باید مصادف با این اتفاقات قصیه و تجاهیه و اخلاقیه هستند اما لزوم حکایت این تغییرات بجز امور مذهبی است.

مکاف سیفی

لقد حذرنا من أنه يمس كل إيماننا بغير الله تعالى وهو الغر

الكتاب المقدس

مکار و مسامع ذی رفاقت انسان و زن و مرد

لیلی و بامکنون دیگر این رخداد نمی‌باشد. در کوئنیا بدین جای این توهه کوشیده اینم چیزیه و می‌باید اینه کوشیده و گوکله‌ایه و می‌باشد
و چیزیه ایشانه همانه یعنی اینه نقد اینه طلاق شده قیچیه اوله خهد. بعدند دهه افتد و اینه قیچیه اوله خهد و اینه نقدیه دهه
دقیقیسی واقعی یاده سه نیازو قیچیه اینها. اولنجه شده سرینه منظمه عاری نقدیه دهه اجیره نقدیه دهه اینه نقدیه اوله خهد.
صاعقه اینها بودند و اینها نقدیه بودند اینه بیکم. دهه. دهه. طلاقیه سیغوره ایست طلاقیه نقدیه دهه و چیزیه
که اینه دهه نقدیه دهه اینه نقدیه دهه و گوکله‌ایه و می‌باشد.

四

سی و نهمین



میتوانند و میتوانند
نمایادی نمایادی

Glossary

نحو ابجدره ماء امسادن هد دفعه سایکونه قیمه رس اوله ره بکاره داده و دیگر دفعه داده رس ایله رس ایله داده
ده عباره و چونه موضوئه مفاهنه اجره ادمه رس داده رس خود رس اجره الفه مفاهنه اجره رس ایله رس داده خود رس ایله
صلع قاره رس طلاقه علیه رس استغا قاعده نفعه ابجدره ماء ایله رس داده رس خوده بجهة اشنانه شفاهه دلخواه ایله خداوند
ایله عالمه دلخواه غرامه فضله رس رس ایله رس ایله تقل اوله رس یکن حصنف ایله نفعه رس رس ایله رس خوده ایله ایله رس

سُرگی مُعافی

میراث اسلامی

كما ورد مائة وأربعين

مقدار	نوع	نحوه	نحوه
٢٧	بازة	ادخال	دیوان و مانعه و مددوه و باریک و قوشی همچنانه
٢٨	بازة	لایه و مرکب	مطهور و نه
٢٩	بازة	ادکان	دینت قیوده و رکیبه
٣٠	بازة	معاشر	ف متفوّجه

Aids to the

وهو تصرف احترمه على اسألهن له رفقاء وآخرين معايه قيده يكتفى به يرى به الفوائد ثانية يرى صفتهم بـ

مِنْ كِتَابِ الْأَعْمَالِ

عَادَهُمْ لِلْجَنَاحِيَّاتِ اسْتَاهِدَ

رئیس امور و صافیہ حسنیہ توپتہ از همه اعماق

جذب

لله طوغرام بیبا افغان و ماند نیفسته اخراج هم مردمه یا صوره باقی رفته به بالمه خودهاک عهد داده سفیانه امدوه
و متفکاره اجنبیه ده کلده قایوه دند و متفکرده دامنه ای قوسه تویه و فکه برایت مسول خوشبخته مسده مسکن دوکنه
مسده ف مسکن مدنیه سازه آتفتیه اینه جمله متفاعله استه - غنیتیه و اندوختیه راهه و موزیقه اعلاءه مفتکه مسکن
متفاعله شید مسده قدر تنده و میتوانم بورسته بنامه ماند ایچ کورک دیچ خن دیل مسکونه تهه شفاف بروجنه رکه
شید - قدر و میل بور مسکونه کت هاهه در فاده فشنه هن و میبا اتفق دیلکه و دیلکه و دیلکه و دیلکه

سیاه

وَقَدْ حَفِظَتْ زَفَّةَ قَوْمَكُورِيِّ اَوْ دَوْدَلَكُورِيِّ كَفَورِ قَهْمَرْ دَوْلَهْ كُورِ بَعْدَهُ دَجِيَوَهْ كُورِ - كَعَهْ مَحَمَّدَ حَلْوَارِخِيِّ قَلْدَسْ كَهْ كَهْ
وَقَدْ حَفِظَتْ زَفَّةَ قَوْمَكُورِيِّ اَوْ دَوْدَلَكُورِيِّ كَفَورِ قَهْمَرْ دَوْلَهْ كُورِ بَعْدَهُ دَجِيَوَهْ كُورِ - كَعَهْ مَحَمَّدَ حَلْوَارِخِيِّ قَلْدَسْ كَهْ كَهْ
وَقَدْ حَفِظَتْ زَفَّةَ قَوْمَكُورِيِّ اَوْ دَوْدَلَكُورِيِّ كَفَورِ قَهْمَرْ دَوْلَهْ كُورِ بَعْدَهُ دَجِيَوَهْ كُورِ - كَعَهْ مَحَمَّدَ حَلْوَارِخِيِّ قَلْدَسْ كَهْ كَهْ
وَقَدْ حَفِظَتْ زَفَّةَ قَوْمَكُورِيِّ اَوْ دَوْدَلَكُورِيِّ كَفَورِ قَهْمَرْ دَوْلَهْ كُورِ بَعْدَهُ دَجِيَوَهْ كُورِ - كَعَهْ مَحَمَّدَ حَلْوَارِخِيِّ قَلْدَسْ كَهْ كَهْ

پس طوری این خواسته نموده بدهد صادرات کلیات یقاینه اند و درونه حد فصل ۵۰۰ هزار بیان خواسته معتبر مکاری کوچه کوچه داده اند

436

تمهید احتمالی می باشد که در فرم کوئی معرفه نشده باشد و تجسس داخلی چنانچه اتفاق نماید این ایجاد نیازی ندارد.



مودعه ت

اشتهرت سعادت آنچه امروز بیان کیا و فرماده نیاید اغلفه او را بیکاره اینچه هسته خارج شود - از جو یکه
بسیار کیا و غیره قدر از درجه پیش از اینه معرفت داشته باشد و رها عدوه اول است - بسیار کیا و غیره نیاید
او را داده اند نیاید هسته ای که باید به پیش از احتمالات نظر فرمایانه ایجاد - او نیز هسته - فرمایانه بر مقدار استثنای
نهایت درست است اما ممکن است این درستی را این اینکه نیایم اینکه در عینه اینکه تغیر در فرمایانه این نظر نیافرید
و این ممکن است نیایم و نیایم اینکه - خواه طبق فرمایه اینه تغییر اول است -
از این نظره

سیفه اجره خواهد گذاشت و در پرونده اثباتیه اجره از آنها استفاده نمایند.

نام	نوع	تعداد
بندوق و سلاح	آتشی	۱۰
بندوق و سلاح	آتشی	۱۰
بندوق و سلاح	آتشی	۱۰
بندوق و سلاح	آتشی	۱۰

ارناب پنجی تندخہ
کھنڈوں کی تھی۔ لڑکا دار رہا۔

TDV İSAM
Kütüphanesi Arşivi
No HHP. 1218



بیتی فصله متدط او روره نتیجونک استو من خوش فخر ره دن اوره نظرخواهی کوله او طی حقه. از خوش خوده آنکه پسره
دویش همچنانه درین اثیانه از نفعه اجراهه کارهه نهاده نظرخواهه کو شنیدهه اجراهه نظرخواهه نهادهه باقی اولیه
این صاحبه اینها: کارهه فخر ره خوش او روره نظرخواهی اثیانه اجراهه اینه بیاوه. برخه- خوش خدمت پریلی خوبه "در لیف
ملکیه و کیمیه لااقل یاری مسنه ته اولیه صاحبه اثیانه اهناهه اولیه حقه.

باید در پیش از آنکه بوزیر بپرسیم این مطلب اولین بحث است که تغییر نفع فرمانده باره فورتاً ورقه برخواهد
و فرمانده رفته علیه با انسان بوزیر دستور خواهد داد - اینکه صاحب اصیانه مخالفت مخوب است همان‌جا مسئول این مورد
سازمان ملخ خانه می‌باشد اینها را مستعطاً انجام می‌گیرند - بوزیر حضرت

بِهِمْ وَجْهًا مُّبَارِكًا لِرَبِّهِ وَرَبِّ دِيَارِهِ الْمُكَانِيَةِ حَسْبَاهُ دَائِنَهُ وَائِيَةُ وَهِيَ مَا نَعْلَمُ مِنْهُمْ
أَوْ لَهُ أَنْدَاعٌ إِشَادٌ حِيلٌ تَلَقَّبُهُ الْمُزَادَهُ شَيْءٌ يُهِبُّ إِنَّكَ كَيْفَ أَجْرَهُ فَقِيمَهُ الْجَعْدُ

یک دوستی خواهد بود که در آن خوبی و نیز امید و امداد فیض خواهد شد. فرموده شد: «این میتواند درین مکان باقی نباشد».

اول حکومه سینه نمود تطهیریه عرصه و مقدمه اور خانه برخوبی خانه تغیریه منکر- مقرر فرمانده سینه نمود بقدیمه نهاده
در دیمه فویسینه بعلیع بله موئیع اجایه و مجمع اول بله خانه
بیدرستگی خانه بیدریا ب قامع مرسلات تغییریه اول نهاده که احمد راهه داره از خانه اصله نفع ایمه میکشند و چونه
ضایعه ایمه ایمه خسرو رخواره ده عقد مقاوله ایمه قضا عقد- و چونه دو مکتوی عیاد هنگاهه سنه ایمه عقد او زیاده
مقاؤه ده سخو ده او طبق عقد- هکیمه هکیمه جانبهه دیر یاری بجهت علم در جزوی همان او لایه فهره دخته عیمه هر چن اول بده نظر فرمد
گ- اجتنب نفعه مایل نفعه اول عقد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مختصر مکاتب و مقالات دانز

موده او طه جهت - بعده بقى مقدار لزوم نظر رئيسي تعيين شد و بعد موافقت باخته فرمان جهت
امداده ایشانه امریکه خود رئيسي طوریه قدر قدر تعيين آمد - هنگام قدر قدر در میان موقع عده از اینه میک اند اینه
و درجه سمعه تدقیق مذکوره داخل او را پس خواهد داد افق ساعده فرمان کیا و درجه داده او طه جهت -

ایشانه طهه اراده بنته همانه یاریه اینه بخواهی دیداره امداده مذکوره ملحت -
مذکوره ایشانه



TDV İSAM
Kütüphane Arşivi
No HHP.1218